

بررسی صحنه روایی بوم سنگی «شانزده انسان» در سنگ نگاره های تیمره گلپایگان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

محسن جمالی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹

چکیده

سنگ نگاره ها شامل مفاهیم و نقوش گوناگونی هستند که صحنه های روایی از جمله مهم ترین آن هاست. سنگ نگاره های منطقه تیمره، دارای ظرفیت های مختلف مطالعاتی است. در این مجموعه بزرگ، ما به بررسی یکی از سنگ نگاره های تیمره گلپایگان پرداخته ایم. صحنه روایی منحصر به فردی که در آن شانزده نقش انسانی، سه نقش جانوری، چند نقش ابزار و... دیده می شود. سبک نقوش انسانی و جانوری در این بوم، همچون سایر نقش های دیگر این منطقه که دارای هواز دگی مشابهی بودند، نشان از سنت نگارگری قوی در دوره ای خاص است. در ادامه مقاله به بررسی جزئیات هر یک از نقوش انسانی، نقوش جانوری و سایر نقوش، پرداخته ایم. بر اساس بررسی پوشاک و جهت حرکت، انسان ها به دو گروه مجزا تقسیم شده اند و نکته مهم این که بین این دو گروه با پرتاب و اصابت نیزه های بلند، مبارزه ای روی داده است. تعداد عناصر اصلی شکار، همچون حیوانات، ابزار شکار و سگ شکاری، در این بوم کمرنگ است، هر چند که چند دام یا قفس که حیوانی در آن اسیر شده است نیز در این بوم وجود دارد، اما نمی توان به طور قطع صحنه شکار را برای روایت این بوم در نظر گرفت. نهایتاً به نظر می رسد که این صحنه، روایتگر تقابل دو گروه انسانی بر سر تصاحب قلمرو شکار باشد. روش کار ما برای گاه نگاری نسبی این صحنه انجام مطالعات تطبیقی بوده که بر اساس آن، این بوم سنگی را می توان از ابتدای دوره مس سنگی تا پایان دوره مفرغ گاه نگاری کرد.

واژه های کلیدی: سنگ نگاره، هنر صخره ای، بوم سنگی، صحنه روایی، تیمره گلپایگان

1-DOI: 10.22051/JJH.2023.44758.2036

۲- دانشجوی دکتری باستان شناسی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

jamali7178@gmail.com

مقدمه

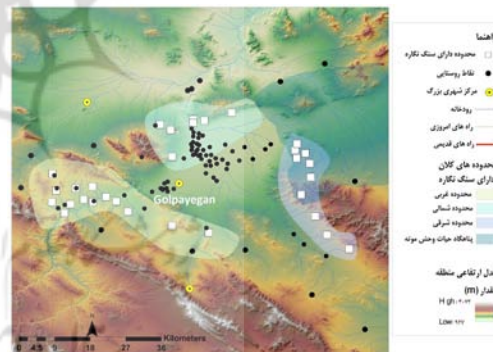
سنگ نگاره‌ها به عنوان یکی از انواع مواد فرهنگی باستانی محسوب می‌شوند، که شامل تمامی نقوش و خطوط ایجاد شده بر سطح سنگ‌های صخره‌ای در فضای باز یا سطوح داخلی غارها می‌شود. این آثار که بیشتر در فضای باز قرار دارند؛ برخلاف دیگر مواد فرهنگی از لایه‌های خاک بیرون کشیده نمی‌شود، به همین دلیل طی هزاران سال مورد بازبینی انسان‌ها قرار گرفته‌اند و گاه روی آن‌ها نقوش جدیدتری ایجاد شده است. سنگ نگاره‌ها از فرسایش‌های طبیعی و از آسیب‌های انسانی در امان نمانده‌اند. در حالت کلی سنگ نگاره‌ها به دو دسته کلی نقش‌کند و نقش بر جسته تقسیم می‌شوند که سنگ نگاره مورد بررسی ما در این مقاله، از گونه نقش‌کند است (جمالی، ۱۳۹۴: ۳۵).

سنگ نگاره‌ها اسناد دست‌اولی هستند که با مطالعه دقیق آن‌ها به بسیاری از حلقه‌های مفقوده تاریخ، می‌توان دست پیدا کرد. سنگ نگاره‌ها از دیدگاه‌های مختلف قابل مطالعه هستند. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های مطالعاتی سنگ نگاره‌ها بررسی و تفسیر نقوش آن است. ارتباط بین نقش‌های مختلف در یک بوم سنگی می‌تواند صحنه‌های روایتگری جالبی را خلق کند. موضوعات روایی در میان سنگ نگاره‌ها بسیار زیاد است و به‌گونه‌ای می‌توان گفت که روایتگری مهم‌ترین شاخصه یک بوم سنگی حاوی هنر صخره‌ای است که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار گرفته است و کمتر به تحلیل و تفسیر صحنه‌های روایی پرداخته شده است. هر چند که ممکن است پژوهشگران در تحلیل و تفسیر صحنه‌های روایی دارای نظر یکسانی نباشند، اما نهایتاً می‌توانند این نظرات را به یکدیگر نزدیک کنند. برای مطالعه صحنه‌های روایی نیاز است که پژوهشگر علاوه بر آشنایی با انواع نقوش صخره‌ای و آشنایی با نقش‌های موجود بر سنگ نگاره‌های مناطق مختلف و دیگر آثار تاریخی، اطلاعات بنیادین دیگری در حوزه‌های باستانشناسی، انسان‌شناسی و... برای انجام مطالعات تطبیقی در اختیار داشته باشد. تفسیر صحنه‌های روایی بعد از موضوع گاه‌نگاری،

یکی از پرچالش‌ترین بحث‌های موجود در مطالعات هنر صخره‌ای است. مهم‌ترین موضوع صحنه‌های روایی روی سنگ نگاره‌ها، موضوع شکار و نمایش محیط طبیعی، نبرد انسان‌ها، برپایی آیین‌ها و رسوم بوده است. در این پژوهش قصد داریم به بررسی و تحلیل یکی از صحنه‌های روایی مهم در بین سنگ نگاره‌های تیمره بپردازیم، که به نظر می‌رسد دارای پیچیدگی‌های خاصی نیز باشد. بر این اساس با تکیه بر مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای توانستیم تفسیرهایی برای این صحنه روایی ارائه کنیم. شهرستان گلپایگان در شمال غربی استان اصفهان و در حاشیه شرقی زاگرس مرکزی قرار گرفته است. دشت حاصلخیز گلپایگان به همراه منابع دائمی آب رودخانه اناربار و همچنین چندین رودخانه فصلی شرایط بسیار مساعدی برای استقرار طی هزاران سال در این منطقه را فراهم آورده است. این منطقه از یک سوراخ ارتباطی بین مناطقی در فلات مرکزی ایران و از یک سو مناطق واقع در زاگرس مرکزی بوده است. دشت گلپایگان در میان حصارهای کوهستان‌های مرتفع و همچنین کم‌ارتفاع قرار گرفته است که در کوهستان‌های حاشیه دشت و اغلب در کنار منابع آبی شاهد تمرکز نقوش صخره‌ای و همچنین در دشت نیز شاهد محوطه‌های مهم تاریخی همچون لهرامش (مربوط به هزاره چهارم ق.م)، چغا حسن (مربوط به هزاره پنجم ق.م) و چند محوطه مهم تاریخی دیگر هستیم (جاوری و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۳).

تیمره نام تاریخی منطقه‌ای است که بر اساس تقسیمات سیاسی کنونی جزئی از استان‌های اصفهان، مرکزی و لرستان و شامل شهرستان‌های گلپایگان، خمین، محلات، الیگودرز و... می‌شود. این نام از دوره ساسانیان و به‌ویژه در ابتدای دوره اسلامی بسیار مورد استفاده قرار می‌گرفته است (حسن قمی، ۱۳۶۱: ۲۴). مجموعه سنگ نگاره‌ها و نقوش صخره‌ای تیمره گلپایگان با توجه به غنای بسیار زیاد موضوعی، نیاز به بررسی و تأمل جدی‌تری دارد. اغلب در کوهپایه‌های کوه‌های احاطه‌کننده دشت گلپایگان و بیشتر در کنار منابع آبی همچون رودخانه‌های دائمی، رودخانه‌های

فصلی، چشمه‌ها و آبگیرها تمرکز بسیار زیادی از سنگ نگاره، به‌ویژه در مناطقی با جنس مشخص سنگ شیبست که بیشتر دارای سطوح صاف برای ایجاد نقش هستند، وجود دارد. طی سال‌ها بررسی میدانی موفق شدیم که بیشتر مناطق شهرستان گلپایگان که دارای چنین ویژگی بوده‌اند را مورد بررسی قرار دهیم و این بررسی‌های مداوم منجر به شناسایی سی و دو محوطه و تعداد تقریبی سی و شش هزار و پانصد بوم سنگی شد (نقشه ۱). این سنگ نگاره‌ها با موضوعات مختلفی همچون صحنه‌های شکار، رزم آدمیان، نمایش آداب محلی، نمایش محیط طبیعی و ابزارهای شکار و زندگی و... طی دوره‌های گوناگون تاریخی ایجاد شده‌اند (جمالی، ۱۳۹۴: ۵۳). حدود هفتاد و پنج درصد نقوش جانوری بر روی سنگ نگاره‌ها، نقش بزکوهی است. در حال حاضر تعدادی از این سنگ نگاره‌ها به‌صورت نسبی گاه‌نگاری می‌شوند و براساس شواهد موجود برخی از آن‌ها تا ابتدای دوره مس سنگی تاریخ‌گذاری شده‌اند (جمالی، ۱۴۰۲: ۱۰۷).



نقشه ۱. نقطه گذاری محوطه‌های سی و دو گانه دارای سنگ نگاره در تیمره گلپایگان (جمالی، ۱۴۰۱: ۱۳۸)

در یکی از بوم‌های سنگی در یکی از محوطه‌های سی و دو گانه دارای سنگ نگاره در تیمره گلپایگان، شاهد صحنه‌ای بسیار خاص هستیم. صحنه‌ای روایی کم‌نظیری که شانزده انسان در حالات مختلف در آن به نمایش درآمده‌اند. نقش چند جانور و همچنین تعداد زیادی ابزار نیز به چشم می‌خورد. برای نخستین بار با نقش‌های منحصر به فردی از دام روبرو هستیم.

پیشینه پژوهش

تاکنون سنگ نگاره‌های نسبتاً زیادی در سراسر ایران مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته است. برای نخستین بار در ایران این پژوهش‌ها از سوی یک هیأت ایتالیایی انجام شده که در سال ۱۹۵۸ میلادی تعدادی نقوش صخره‌ای را در منطقه گزو در شهرستان خاش کشف کردند (Dessau, 1960). از دیگر پژوهش‌های انجام‌گرفته در این حوزه در ایران می‌توان به سنگ نگاره‌های ارسباران (رفیع فر، ۱۳۸۴)، نقوش صخره‌ای میوله (شیدرنگ، Lahafian)، نقوش صخره‌ای کوه دختر رشم (روستایی، ۱۳۸۶)، سنگ نگاره‌های زیادآباد و حسن رباط (Khosrowzadeh, 2017)، سنگ نگاره‌های سنگستون قم (Mohamadi Ghasrian, 2007)، سنگ نگاره‌های منطقه حوض ماهی (Karimi Mobarakabadi, 2013)، سنگ نگاره‌های شمال غرب ایران (Binandeh, 2016)، سنگ نگاره‌های خراسان جنوبی (قربانی و صادقی، ۱۳۹۶)، سنگ نگاره‌های بروجرد (سبزی و همتی ازندریانی، ۱۳۹۷)، سنگ نگاره‌های استان همدان (Hemati Azandaryani and Others, 2015)، سنگ نگاره‌های شمس‌آباد سراوان (جمالی و دهواری، ۱۴۰۰)، سنگ نگاره‌های دره واستانه سیب و سوران (جمالی و پسکوهی، ۱۴۰۰) و... اشاره کرد. پژوهش‌ها در سطح تیمره: برای نخستین بار در سال ۱۳۷۷ دکتر مرتضی فرهادی استاد مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی در کتاب «موزه‌هایی در باد» بخشی از مجموعه سنگ نگاره‌های منطقه تیمره را معرفی کرد (فرهادی، ۱۳۷۷). سپس محمدناصری فرد با انتشار چند کتاب از جمله کتاب «سنگ نگاره‌های ایران، نمادهای اندیشه نگار»؛ به معرفی بخشی از سنگ نگاره‌ها در تیمره پرداخت (ناصری فرد، ۱۳۸۸). در سال ۱۳۹۴ نگارنده با تکیه بر هشت سال کار پژوهشی و مستندنگاری تحت عنوان کتاب «سنگ نگاره‌های ایران (سنگ نگاره‌های گلپایگان؛ گذرگاه تاریخ)» به معرفی، توصیف و تحلیل نقوش بیش از سی و شش هزار و پانصد سنگ نگاره در منطقه تیمره پرداخت (جمالی، ۱۳۹۴). خانم

لیلی کریمی در مقاله «بررسی نمادها و نقوش سنگ نگاره‌های تیمره» نیز به بررسی مختصر برخی از نقش‌های متمایز پرداخته است (کریمی، ۱۳۹۴). کاظم عرب و شقایق هورشید در مقاله‌ای به معرفی تعدادی از نگارنده‌های کوچری گلپایگان، به عنوان بخشی از سنگ نگاره‌های تیمره پرداختند (عرب و هورشید، ۱۳۹۶). همچنین نگارنده در مقاله‌ای مشترک نیز نقوش بازداری و بازشکاری بر روی سنگ نگاره‌های ایران به ویژه در تیمره، مورد بررسی قرار داده است (Kolnegari, Jamali and others, 2021). نگارنده در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی باستان شناختی سنگ نگاره‌ها، در منظر فرهنگی تیمره گلپایگان» به بررسی سنگ نگاره‌ها در منظر و لندسکیپ پرداخت (جمالی، ۱۴۰۱). در مطالعه‌ای تطبیقی، نقش بز بر روی سنگ نگاره‌های تیمره با سنگ نگاره‌های لرگردو و کیارس خوزستان مقایسه شده است (اشتری لرکی و دیگران، ۱۴۰۱). نگارنده در چندین مقاله دیگر، به بررسی نقش گاو، به عنوان نقشی کلیدی و خاص در مطالعات تطبیقی مجموعه سنگ نگاره‌های تیمره (جمالی، ۱۴۰۲) و همچنین معرفی سنگ نوشته‌های نویافته پهلوی در تیمره گلپایگان پرداخته است (جمالی و بشاش کنزق، ۱۴۰۲). در این سال‌ها افرادی به بررسی جنبه‌های مختلف گرافیکی، هنری، انسان شناسی و نمادین این نگاره‌ها پرداخته‌اند؛ اما دیدگاه‌های باستان شناسانه در این میان بسیار کم‌رنگ بوده است. دیگر پژوهشگران نیز در این سال‌ها توانسته‌اند بخشی از این نگاره‌ها را معرفی کنند.

روش پژوهش

پس از بررسی‌های محوطه سنگ نگاره‌های ماکوله، در سال ۱۳۹۱، بر آن شدیم که مهم‌ترین صحنه روایی آن را به صورت جرئی مورد مطالعه قرار دهیم. بر این اساس مجدداً به محوطه مورد نظر مراجعه کردیم و اقدام به بررسی‌های بیشتر و تهیه تصاویر بیشتر شدیم. نقوش مشابه در دیگر بوم‌های سنگی که احتمالاً با سنگ نگاره مورد نظر ما نیز هم دوره بوده‌اند نیز مورد بررسی قرار گرفت. از بوم سنگی «شانزده انسان» طرح‌های گرافیکی تهیه شد. همچنین در

ادامه علاوه بر بررسی‌های میدانی، بررسی‌های کتابخانه‌ای نیز انجام شد.

اهداف و ضرورت پژوهش

از اهداف این پژوهش معرفی یکی از مهم‌ترین صحنه‌های روایی در میان سنگ نگاره‌های منطقه تیمره است، همچنین تحلیل تک تک نقوش این بوم سنگی و یافتن موضوع اصلی روایتگری این سنگ نگاره از دیگر اهداف این پژوهش است. با بررسی دقیق این سنگ نگاره، می‌توان راهی برای تحلیل و بررسی برخی نقوش مشابه و هم دوره در این محوطه یافت و نهایتاً بر پایه مقایسه بتوان گاه‌نگاری نسبی به دست آورد.

پرسش و فرضیه

با توجه به نقوش و ارتباط بین آن‌ها، موقعیت قرارگیری و سبک خاص آن می‌تواند سوالات زیر را برای این پژوهش در نظر گرفت.

۱. این بوم سنگی چه صحنه‌ای را روایت می‌کند، جنگ یا شکار؟
۲. آیا بین این بوم سنگی با سایر سنگ نگاره‌های این منطقه، ارتباط معنی داری وجود دارد؟
۳. آیا می‌توان گاه‌نگاری نسبی برای این بوم سنگی در نظر گرفت؟

مبانی نظری

این بوم در مجموعه سنگ نگاره‌های تیمره بخش گلپایگان و در محوطه ماکوله قرار گرفته است. در میان انبوهی از سنگ نگاره‌ها و دره‌ای که اغلب در فصل بهار جویباری در آن جریان دارد. این سنگ نگاره با فاصله از حدود ۵ کیلومتر از بستر رودخانه اناربار گلپایگان قرار گرفته است. در میان صخره‌های این منطقه شاهد وجود سنگ نگاره‌های فراوانی از دوره‌های مختلف تاریخی هستیم. مهم‌ترین شاخصه تفکیک دوره‌های تاریخی این منطقه، علاوه بر رنگ نقوش، سبک نقوش و همچنین روش‌ها و ابزارهای متفاوت حکاکی است. در این منطقه هزاران هزار بوم سنگی حاوی سنگ نگاره وجود دارد که ما در این مقاله به مهم‌ترین صحنه روایی آن می‌پردازیم. این بوم سنگی به سمت شمال و با شیبی حدود ۶۰ درجه،



تصویر ۲. طرح گرافیکی سنگ نگاره شانزده انسان به همراه خطوط فرضی طبقات (نگارنده، ۱۴۰۱).

تناسب ابعادی در نقش‌های این بوم تقریباً لحاظ شده است و بزرگ‌ترین آن، یک نقش انسان در حدود ۱۵ سانتی‌متر است. سنگ نگاره‌ها بر اساس شیوه‌های حکاکی در عمق‌های متفاوتی ایجاد می‌شوند. در روش کوبشی عمق نقوش از ۰٫۲ میلی‌متر تا ۳۰ میلی‌متر متفاوت است (فنجان نماها در این مورد استثنا هستند). در این بوم سنگی، عمق‌کننده‌کاری‌های روی سنگ کم است و نهایتاً در عمیق‌ترین حالات به ۲ میلی‌متر می‌رسد. با بررسی نقطه ضربه ابزار حکاکی انجام شده برای ایجاد این نقوش به این نتیجه می‌رسیم که ابزار استفاده شده در ایجاد آن‌ها کوچک و نوک تیز بوده است. همچنین با باربرداری کم، هم عمق نقوش کم است و هم نقوشی با ظرافت بالا، ایجاد کرده است. کنده‌کاری‌های شکل‌گرفته در سنگ نگاره‌هایی از دسته نقوش کند، به صورت منفی است؛ یعنی برای آفرینش نگاره به جای کندن سنگ پیرامون نگاره (شیوه مثبت در ایجاد نقوش برجسته)، خود نگاره را کنده‌کاری می‌کرده‌اند. دوگونه و شیوه کنده‌کاری روی سنگ نگاره‌ها وجود دارد. شیوه کوبشی و خراشی. شیوه کوبشی، نزدیک به نود و نه درصد سنگ نگاره‌های با اصالت را تشکیل می‌دهد. در نگاره‌هایی که از این سبک کنده‌کاری استفاده شده است، ظرافت در ایجاد نقوش بسیار متفاوت است و هم نگاره‌های ظریف دیده می‌شود و هم نگاره‌هایی با ظرافت کمتر و این بدین معنی نیست که در نگاره‌هایی که به ظاهر، کهن‌تر به نظر می‌رسند ظرافت کمتر است. گوناگونی ظرافت به توانایی و هنرمندی نگارگر و ابزار استفاده شده بستگی دارد. دومین شیوه، شیوه خراشی (کششی یا سوزنی) است. شاید در این دوره ابزار در دسترس آن‌ها سنگ‌های تیزی بوده

به شکل مثلث با ضلع‌های ۸۰ در ۹۰ در ۹۰ سانتی‌متر، در فاصله افقی ۱۰ متری و ارتفاع حدود ۲ متری از بستر دره واقع شده است. این نقوش دارای هوازدگی و فرسایش شدیدی هستند و رنگ نقوش اغلب با رنگ سنگ بستری یکی شده است. سنگ این بوم این جنس شیست و دارای ترک‌ها و شکستگی‌های فراوانی است (با توجه به ساختار لایه لایه‌ای این سنگ) به طوری که بخشی از نقوش در جریان این لایه لایه بودن از بین رفته‌اند. سطح بوم و روی برخی از نقوش گلسنگ‌ها به رنگ نارنجی و سفید در حال رشد هستند (تصویر ۱). در وجه غربی این بوم سنگی، صحنه‌ای از ارابه و دو گاو متصل به آن دیده می‌شود.



تصویر ۱. بوم سنگی شانزده انسان (نگارنده، ۱۳۹۱).

در این بوم تعداد بیست و پنج نقش وجود دارد که شامل شانزده نقش انسانی، سه نقش جانوری و شش نقش ابزار است. در دوره‌های بعدی روی این نقوش تعدادی نماد و علامت ایجاد شده است که هوازدگی بسیار کمتری نسبت به نقوش اصلی ما دارد. به طور فرضی نقش‌های این بوم را در چهار طبقه دسته بندی کرده‌ایم. طبقه یک در پایین بوم و طبقه چهار در بخش بالایی بوم قرار گرفته است (تصویر ۲). سوال قابل طرح در این جا این است که آیا می‌توان نقوش این بوم سنگی را شامل طبقات ارتفاعی در نظر گرفت؛ یعنی تصور کرد که افرادی که در طبقه چهار بوم قرار گرفته‌اند در بالای تپه یا کوه قرار دارند؟

که باکشش آن‌ها به روی سنگ تکنیک جدیدی را خلق کرده بودند؛ اما به نظر می‌رسد که این نگاره‌ها را به وسیله اجسام نوک تیز که می‌توانسته سنگ چخماق باشد و یا پس از کشف فلز با تکه فلزی نوک تیز، شبیه به نوک خنجر و یا نیزه ایجاد کرده‌اند (جمالی، ۱۳۹۴: ۳۵). در بوم سنگی مورد پژوهش ما نیز از شیوه کوبشی استفاده شده است. ابزار استفاده شده در این نقوش دارای نوکی نازک بوده و به این طریق توانسته بودند که نقوش با ظرافتی ایجاد کنند.

توصیف نقوش

• نقوش انسانی

در این بوم شانزده نقش انسان را مشاهده می‌کنیم. شانزده نقش مربوط به مردان و احتمالاً یک نقش زن (تصویر ۳). نقش زن در طبقه دوم بوم و در سمت راست این طبقه قرار گرفته است. زن لباس متفاوت و بلندتری بر بدن دارد و بر اساس برجستگی‌های بدن، می‌توان آن را زن دانست (نقش شماره ۹ در تصویر ۲). نقش انسان‌ها از نیم تنه بالایی تا سرشانه به صورت تمام رخ و پاها به صورت نیم‌رخ و در حال حرکت دیده می‌شود. چرخش بدن از ناحیه کمر بوده است و به این دلیل ضخامت بدن در این ناحیه بسیار کم می‌شود. نقش انسان‌ها به دو شکل ایجاد شده است؛ برخی از آن‌ها دارای لباس متمایزی هستند. هنرمند نگارگر برای نمایش تمایز نقش انسان‌ها با هم، بدن آن‌ها را یا کاملاً به صورت توپُر حکاکی کرده است یا اینکه تنها کناره‌های نقش را کنده‌کاری کرده که اصطلاحاً به این نقوش «کناره نگاری شده» می‌گوییم. تعداد ۸ نقش به‌طور کامل و به صورت توپُرکننده‌کاری شده‌اند؛ که نقش زن نیز جزو این نقش‌هاست. تعداد ۸ نقش نیز به‌طور کناره نگاری شده ایجاد شده است. جهت حرکت نقوش انسانی نیز در این بوم بررسی قرار گرفته است. نکته قابل توجه اینکه دقیقاً هشت نقش به سمت چپ و هشت نقش به سمت راست در حال حرکتند. در این مرحله به دنبال یافتن ارتباط بین این نقوش هستیم. به جز یک مورد، تمام نقش‌های انسان‌هایی که به صورت کناره نگاری ایجاد شده‌اند، به سمت راست و نقش انسان‌هایی که کاملاً بدنشان به صورت توپُر حک شده است به سمت چپ در

حرکت‌اند. در این جا فرضیه اینکه با دو گروه انسانی مواجه هستیم، پررنگ‌تر می‌شود. شاید دو گروه که با هم مقابله می‌کنند یا این که دو گروه که با مشارکت یکدیگر به شکار می‌روند و شاید بر سر تصاحب شکارگاه با هم درگیر شده‌اند. در این بوم ابزارهای زیادی نیز وجود دارد. نیزه پررنگ‌ترین آن‌هاست. نیزه‌هایی بلند با چوب‌های ناصاف و یک پیکان در سر آن. این نیزه‌ها بین انسان‌ها در حال رد و بدل شدن است. به نظر می‌رسد تعدادی از نیزه‌ها به افراد بر خورد کرده است. پنج نفر از این انسان‌ها مورد اصابت نیزه قرار گرفته‌اند. هیچ یک از افرادی که به سمت چپ در حرکت‌اند نیروهای خودی را مورد اصابت قرار نداده است و متقابلاً در مورد افرادی که به سمت راست در حرکتند، این موضوع درست است. در ۱۳ نقش انسانی هر دو دست به سمت بالاست و در دو نقش نیز یک دست بالا و یک دست پایین است که در دست پایین نیز انسان ابزاری را گرفته است (در یکی دیگر از نقوش به دلیل فرسایش زیاد، حرکت دست‌ها مشخص نیست). بالا آمدن هر دو دست، دو فرضیه را مطرح می‌کند. یک این که با هر دو دست در حال پرتاب نیزه هستند. نیزه‌ای که ممکن است بسیار سنگین بوده باشد و دیگری این که به نشانه تسلیم دو دست را بالا برده‌اند. چهار نقش انسانی نیز با هیبتی بزرگ‌تر از سایرین به تصویر کشیده شده است.



تصویر ۳. طرح سنگ نگاره شانزده انسان (نگارنده، ۱۳۹۴).

• نقوش جانوری

در پایین بوم نقش‌گوزنی دیده می‌شود که به صورت کناره‌نگاری شده ایجاد شده، ولی سبک کلی آن واقع‌گرایانه است (نقش شماره ۵ در تصویر ۲). جنبش و حرکتی در این گوزن دیده نمی‌شود. بدنی آرام، بدون حالت ترس و حالت دویدن و بدون حمله انسان به او

برای شکار. جهت گوزن به سمت راست است. علاوه بر این نقش، در داخل یکی از دام‌ها یک جانور شبیه به گرگ دیده می‌شود که جهت آن هم به سمت راست است (نقش شماره ۱۵ در تصویر ۲). نقش جانور دیگری نیز در این بوم وجود دارد که به دلیل فرسایش بسیار زیاد، گونه آن قابل تشخیص نیست (نقش شماره ۲ در تصویر ۲).

• نقش ابزار

ابزارها نیز بخش قابل توجهی از نقش‌های این بوم را تشکیل می‌دهند. در دسته‌بندی کلی، ابزارها را در این پژوهش به شکل زیر دسته‌بندی کرده‌ایم:

۱. نیزه: هفت نفر از انسان‌ها در دستان خود نیزه‌های بلند به همراه دارند. این افراد اغلب به سمت گروه انسانی روبرو در حال پرتاب و اصابت نیزه هستند. به وضوح سرنیزه‌های پیکان مانند در انتهای نیزه‌ها دیده می‌شود و به این خاطر به نظر می‌رسد که سرنیزه‌ها سنگی نیستند و فلزی هستند. این نوع نیزه‌های بلند در میان سنگ نگاره‌ها مرزبانیک استان سیستان و بلوچستان نیز دیده شده است، ولی زائده‌های پیکان مانند در آن‌ها وجود ندارد (Moradi, 2013: 12) and other). سر پیکان‌های زائده‌دار در نمونه‌های اورارتویی نیز گزارش شده است (میرفتاح و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۲۴). در هنر صخره‌ای و در سایر نقوش چه در دوره‌های پیش از تاریخ و چه دوره‌های تاریخی، نمایش نیزه بیشتر در صحنه‌های شکار بوده است (Norbert Skupniewicz, 2009: 22)، اما به نظر می‌رسد، در این جا با کارکردی دیگر روبرو هستیم. نیزه‌هایی بلند و اغلب ناصاف، که انسان‌ها را هدف قرار داده‌اند. ۲. دشنه و شمشیر: به نظر می‌رسد در دو مورد از نقوش انسانی دشنه و شمشیری در غلاف به کمر انسان آویزان شده است (نقوش شماره ۱ و ۴ در تصویر ۲). به دلیل اینکه در این نقوش جزئیات دشنه و شمشیر به درستی مشخص نیست، نمی‌توانیم با نمونه‌های موجود در سایر منابع مقایسه و تطبیق دقیقی داشته باشیم. زیرا در بررسی‌های تطبیقی نیاز به جزئیات بیشتری است. به طور کلی این دشنه و شمشیر دارای دسته‌ای با انتهای گرد هستند. سایر سنگ نگاره‌های هم دوره با این بوم در این محوطه نیز دارای دشنه‌هایی با این سبک هستند. این نمونه

دشنه‌ها با مقایسه دسته با انتهای گردشان، با برخی نمونه‌های اشاره شده در منابع شباهت داشتند، این آثار اغلب مربوط به نیمه اول ایلام میانه و نیمه پایانی هزاره دوم ق.م و مربوط به دشت خوزستان و بخش‌هایی از غرب ایران بوده‌اند (Rafiei-Alavi, 2019).

۳. دام‌ها: در سه نقش این بوم سنگی ابزاری شبیه به دام دیده می‌شود. در تصاویر شاید نتوان سه بعدی بودن نقش را متصور شد، اما اگر در نظر بگیریم حالت سه بعدی داشته باشد، شاید با نقش قفس روبرو باشیم. در نمونه‌های افقی در کنارهای نقش دام، چیزی شبیه به دستگیره نیز دیده می‌شود (نقوش ۱۱، ۱۴ و ۲۰ تصویر ۲). به نظر می‌رسد که نقش یک دام نیز در بالای دست نقش شماره ۱۸ وجود داشته که به دلیل فرسایش زیاد از بین رفته است. ساختار شبکه بندی دام‌ها نیز با هم متفاوت است و حیوانی اسیر شده در دام شماره ۱۴ دیده می‌شود (احتمالاً گرگ باشد).

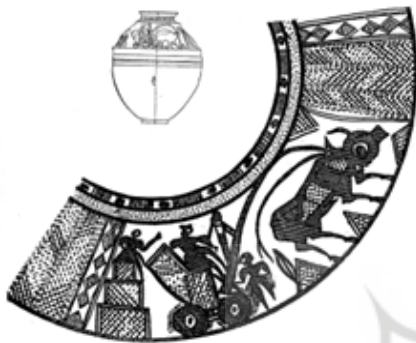
۴. نردبان‌ها: در مجموع دو نردبان در این بوم دیده می‌شود. نردبان نخست که طبقه فرضی سه را به چهار متصل می‌کند، دارای یازده پله است (نقش شماره ۱۷). نردبان دوم که در طبقه فرضی چهار قرار دارد، دارای هشت پله است (نقش شماره ۲۲). این نردبان‌ها ارتباط قوی با قاب‌ها، و دام‌ها دارند و احتمالاً در شکار مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند.

۵. قاب‌ها: در بخش بالایی بوم تعدادی خط دیده می‌شود که برای راحتی کار فعلاً به آن‌ها قاب می‌گوییم. این قاب‌ها ارتباط مستقیم با نردبان و دام دارد و دو انسان در نزدیکی آن‌ها هستند. یکی از انسان‌ها داخل قاب و دیگری بیرون قابی دیگر. البته انسان بیرون از قاب که دامی نیز در دست دارد (نقش شماره ۲۱)، دارای کلاه متمایزی نسبت به دیگر افراد است. شاید این قاب‌ها خود نیز بخشی از دام پهن شده برای شکار باشد. بخشی از خطوط نیز به دلیل فرسایش زیاد پیدا نیستند، پس احتمال دارد که این خطوط در سراسر بوم وجود داشته باشد.

۶. تیردان: در نقش شماره ۴ تصویر ۲، در کنار انسان نقش یک تیردان پُر از تیر دیده می‌شود. در یکی از نگاره‌های انسانی که نزدیک به تیردان است، دست انسان به گونه‌ای بالا رفته است که انگار در حال کشیدن



تصویر ۵. سنگ نگاره اتصال دو گاو به وسیله‌ای شبیه به ارابه در وجه دیگر سنگ نگاره روایی شانزده انسان (نگارنده، ۱۳۹۴).



تصویر ۶. نقش ظرف سفالی متعلق به شوش II (Schmandt-Besserat, 2010: 14)

بحث

در بوم سنگی مورد پژوهش در سیزده نقش، دو دست انسان‌ها رو به بالاست، که این نشان می‌دهد بیشتر آن‌ها در حال پرتاب نیزه بلند هستند. البته فرضیه تسلیم شدن انسان‌ها در این مورد کمی دور از ذهن است. سبک نمایش انسان‌ها در این گونه از نقوش در این منطقه پرتکرار است و به احتمال زیاد مربوط به یک دوره بوده است. البته در دوره‌های بعدی شاهد سبک‌های متفاوت، به‌ویژه سبک تجریدی‌تر در نمایش نقوش و همچنین ظرافت به مراتب کمتری هستیم. چنین نقوشی بیشتر یک سنت منطقه‌ای را در یک دوره خاص یادآور می‌شود، دوره‌ای که قطعاً گاو به دست انسان اهلی شده بوده است، هنوز گوزن در منطقه زیست می‌کرده است، احیاناً ببر در منطقه حضور داشته است (نقش‌های ببر این منطقه با نقوش بوم سنگی مورد پژوهش ما تقریباً هم‌دوره هستند) و انسان‌ها از ابزارهای فلزی استفاده می‌کرده‌اند. ابزارهایی نظیر دشنه، شمشیر، تیر و کمان، نیزه و ... اغلب نقوش موجود در این منطقه که دارای

زه کمان است. متأسفانه به دلیل فرسایش بخش زیادی از نقش تخریب شده است. زاویه بین بازو و صاعد به‌گونه‌ای است که شاید در حال کشیدن زه کمان است (نقش ۳ تصویر شماره ۲ و تصویر ۴). چند ابزار ناشناخته دیگر هم در این بوم دیده می‌شود که قابل تطبیق با نمونه‌ای نبود.



تصویر ۴. نمونه‌هایی از دشنه، شمشیر، تیردان و نیزه (نگارنده، ۱۳۹۴).

در وجه غربی صخره‌ای که بوم سنگ نگاره شانزده انسان روی آن نقش بسته است، نقش دو گاو متصل به یک وسیله دیده می‌شود. به نظر می‌رسد هر دو صحنه وجه غربی و شمال هم‌دوره هستند. در وجه غربی این صخره، شاهد نقش دو گاو، وسیله ارابه مانند، انسان، اسب، شیر و چند حیوان دیگر هستیم (تصویر شماره ۶). در ظرف سفالی که مربوط به شوش II نیز وسیله مشابهی که به گاو متصل شده است نیز دیده می‌شود. احتمالاً این وسیله چیزی شبیه به ارابه باشد. در این جا دو نکته مهم قابل بررسی است؛ یکی این که گاو اهلی شده است و دیگر شباهت نقش این وسیله با نگاره شوش II (Schmandt-Besserat, 2010: 14) است (مقاله مربوط به این ارابه در دست تدوین و نگارش است). در بوم مورد بررسی ما نقش یک گوزن دیده می‌شود. گوزن در زیستگاه‌های جنگلی و نیمه جنگلی زیست می‌کند. زیستگاهی که هم‌اکنون در منطقه از بین رفته است. در نقش‌های با سبک مشابه در این منطقه که تاریخ یکسانی با بوم سنگی ما دارند شاهد نقش اسب‌های رام نشده و وحشی هم هستیم. با کنار هم گذاشتن تمام این موارد می‌توانیم گاه‌نگاری نسبی برای سنگ نگاره‌های این بوم سنگی در نظر بگیریم. احتمالاً این دوره را می‌توان از ابتدای دوره مس سنگی تا انتهای عصر مفرغ در نظر گرفت.

سبک مشابهی هستند، به شدت فرسایش یافته‌اند و مشخص است که بسیاری از آن‌ها نیز به دلیل فرسایش طبیعی از بین رفته است. در این جانسان‌ها به دو گروه دسته بندی شده‌اند، آن‌هایی که به سمت راست در حرکت‌اند و آن‌هایی که به سمت چپ می‌روند و اینکه لباس این دو گروه انسانی با هم متفاوت است (نمایش لباس گروهی به صورت کناره نگاری شده و گروه دیگر به صورت توپر). نیزه‌های بلند از سوی این دو گروه به سوی یکدیگر پرتاب می‌شود. این نیزه‌ها از سوی هر دو گروه پرتاب و به انسان‌های طرف مقابل اصابت کرده است. هیچ یک از افرادی که دارای لباس مشابه بوده‌اند و به یک جهت حرکت می‌کنند، نیروهای خودی را هدف قرار نداده‌اند. بر این اساس شاید شاهد تقابل گروه‌های انسانی بوده باشیم. از طرفی نقش چند دام یا قفس نیز دیده می‌شود که فرضیه شکار را پررنگ می‌کند. اما وجود حیوانات به عنوان عنصر اصلی شکار در این صحنه بسیار کم است و حیوانات موجود نیز رنگ و بوی فرار ندارند. تنها نقش سه حیوان را می‌توان در این بوم تشخیص داد. این در حالیست که در صحنه‌های شکار تعداد حیوانات بسیار بیشتر از تعداد انسان‌هاست. از طرفی در صحنه‌های شکار، به ویژه صحنه‌هایی که انسان‌های زیادی با هم شکار می‌کنند، سگ شکاری نیز اغلب کمک‌کننده شکارچی است. در این‌جا ما شاهد نقش هیچ سگی نیستیم. شاید حیوانات نقش شده در این بوم، شاهد یک واقعه و یا یک رویداد خاص بوده‌اند که البته یکی از آن‌ها نیز به دام افتاده است. اگر در تشخیص نوع حیوان اشتباه نکرده باشیم، حیوانی به دام افتاده که هیچ‌گاه به عنوان غذا انسان آن را شکار نمی‌کرده است. گرگ حیوانیست که علاوه بر این که رقیب انسان‌ها در شکار بوده است، به عنوان موجودی است. حیوانی که رَمه‌داری و گله‌داری انسان‌ها را به خطر می‌اندازد. به همین خاطر احتمالاً این تقابل بر سر شکار و محدوده شکار بوده باشد. قاب‌ها نیز ممکن است محدوده‌های تحت تسلط را به نمایش می‌گذاشته است. فرضیه‌ای دیگر که در مورد قاب‌های طبقه چهارم مطرح است، وجود معماری است و اینکه ممکن است این خطوط معماری را نشان دهد، اما

به دلیل آنکه این خطوط با دام‌ها در ارتباط نزدیک هستند به نظر می‌رسد که این فرضیه رد می‌شود. نیزه‌های موجود در این بوم بسیار بلند هستند و در سر خود زائده‌های پیکان مانند دارند. این گونه زائده‌ها که به نظر می‌رسد فلزی هستند، بیشتر در سر پیکان‌های تیر و کمان دیده می‌شود نه در سر نیزه‌ها. در نمونه ابزارهای اشاره شده در برخی منابع در دوره‌های مفرغ و آهن چنین زائده‌هایی در سر نیزه‌ها وجود ندارد (طلایی، ۱۳۹۷: ۹۹ و ۱۳۹۷: ۹۲).

نتیجه‌گیری

این بوم سنگی یکی از نمونه‌های روایی منحصر به فرد در مجموعه سنگ نگاره‌های تیمره گلپایگان است. سبک مشابه نقوش این بوم سنگی در تعدادی از سنگ نگاره‌های همین منطقه نیز مشاهده شده است، آن‌ها دارای قدمتی مشابه با هم هستند. ظرافت در این سنگ نگاره‌ها بسیار بالاست. ابزار نوک تیز با باربرداری خیلی کم برای ایجاد سنگ نگاره‌ها استفاده شده است. عمق حکاکی‌ها در این نقش‌ها کم است و نهایتاً به میلی متر می‌رسد، همچنین شیوه ایجاد نقوش به صورت کوبشی است. مهم‌ترین نقش این بوم نقش‌های انسانی هستند؛ ۱۶ انسان که ۱۵ نفر از آن‌ها مرد و یک نفر زن است. لباس‌ها در این انسان‌ها متفاوت است، به گونه‌ای که افرادی که به یک سمت حرکت‌اند دارای یک نوع لباس و افرادی که به سمت دیگر در حال حرکت‌اند، دارای لباس متفاوتی هستند. نکته قابل توجه اینکه این انسان‌ها نیزه‌هایی بلند به دست دارند که هر گروه در حال پرتاب نیزه به سمت گروه مقابل است، همچنین نقش سه جانور در این بوم دیده می‌شود اما به دلیل کم بودن نقوش جانوری و نبود نقش سگ می‌توان این نتیجه‌گیری را انجام داد که این صحنه، صحنه شکار نیست. ولی با توجه به تقابل گروه‌های انسانی و همچنین وجود دام یا قفس و همچنین قاب‌ها و خطوط زیاد، احتمالاً تقابل بر سر تصاحب قلمرو شکار بوده است. برای این نگاره‌ها با توجه به روش‌های تحلیلی می‌توان گاه‌نگاری نسبی در فاصله بین ابتدای دوره مس سنگی و انتهای دوره مفرغ انجام داد.

پی نوشت

در کنار تمام تفاسیر و تحلیل‌های قابل پیش بینی، احتمال این وجود دارد که دیگر متخصصین و مفسرین بتوانند تفسیری متفاوت با آنچه نگارنده ارائه داده است مطرح کنند و از این بابت از دیگر پژوهشگران دعوت می‌کنیم نظرات خود را برای نگارنده ارسال فرمایند.

منابع

اشتری لرکی، خدیجه، کلاه کج، منصور. (۱۴۰۱). تطبیق دیداری نقش بز سنگ‌نگاره‌های لم‌گردو و کیارس خوزستان با سنگ‌نگاره‌های تیمره. مزاین و خوراوند استان اصفهان و مرکزی. **جلوه هنر**. ۱۴. (۲). ۷-۲۲۰۵۱-۲۰۱۰. doi: ۲۰۲۲.۳۹۱۲۸.۱۷۴۳. zjh

جاوری، محسن و حاجی محمدعلیان، علمدار. (۱۳۹۰). لهرامش، محوطه‌ای مربوط به عصر مفرغ قدیم در دشت گلپایگان. **مجله باستان‌شناسی ایران** (۲). موسسه بین‌المللی مطالعات گردشگری و هشت مینا. سال دوم. شماره ۷۳-۶۲. ۲.

جمالی، محسن. (۱۳۹۴). سنگ‌نگاره‌های ایران. **سنگ‌نگاره‌های گلپایگان گذرگاه تاریخ**. جلد ۱. چاپ اول. قم. ائمه.

جمالی، محسن. (۱۴۰۱). **بررسی باستان‌شناختی سنگ‌نگاره‌ها، در منظر فرهنگی تیمره گلپایگان**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی. دانشکده حفاظت و مرمت دانشگاه هنر اصفهان. استاد راهنما بابک رفیعی علوی علویجه. استاد مشاور زهرالرزاده.

جمالی، محسن. (۱۴۰۲). بررسی نقش مایه‌گاو بر روی سنگ‌نگاره‌های تیمره گلپایگان. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران ۱۱۲-۱۱۳. (۳۶).

doi: ۱۰.۲۲۰۸۴/nb.۲۰۲۲.۲۴۸۲۴.۲۳۷۳

جمالی، محسن، بشاش کنزق، رسول. (۱۴۰۲). معرفی و بررسی سنگ‌نوشته‌های نویافته خط پهلوی در تیمره گلپایگان. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، (پذیرش شده در دست‌انتشار)

doi: ۱۰.۲۲۰۸۴/nb.۲۰۲۴.۲۸۱۳۵.۲۶۲۰..

جمالی، محسن، پسرکوهی، محمدنعیم. (۱۴۰۰). معرفی سنگ‌نگاره‌های نویافته در دره و استانه شهرستان سیب و سوران. کتابچه چکیده سومین همایش بین‌المللی جنوب شرق ایران. زابل.

جمالی، محسن، دهواری، عبدالسلام. (۱۴۰۰). بررسی و مطالعه تطبیقی سنگ‌نگاره‌های شمس‌آباد شهرستان سراوان. کتابچه چکیده سومین همایش بین‌المللی جنوب شرق ایران. زابل.

رفیع‌فر، جلال‌الدین. (۱۳۸۴). **سنگ‌نگاره‌های ارسباران**.

تهران. پژوهشکده مردم‌شناسی. روستایی، کوروش. (۱۳۸۶). معرفی نقوش نویافته در کوه دختر رشم، دامغان. **باستان‌پژوهی**، دوره جدید، سال ۲، شماره ۳. ۹۵-۹۰.

سبزی، موسی و همتهی ازندریانی، اسماعیل. (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل سنگ‌نگاره‌های بروجرد، استان لرستان. **پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران**. شماره ۲۵، دوره دهم. ۹۱-۱۱۲.

شیدرنگ، سونیا. (۱۳۸۶). نقوش صخره‌ای میوله؛ نویافته‌های در شمال کرمانشاه. **باستان‌پژوهی**، دوره ۲، شماره ۳. ۶۱-۵۵.

طلایی، حسن. (۱۳۹۷). **عصر مفرغ ایران**. تهران. سمت.

طلایی، حسن. (۱۳۹۷). **باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد**. تهران. سمت.

عرب، کاظم، هورشید، شقایق. (۱۳۹۶). نگارنده‌های کوچری گلپایگان، تحلیل و گونه‌شناسی. **پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران**. ۷. (۱۴). ۱۲۳-۱۴۰. doi: ۱۰.۲۲۰۸۴/nbsh.۲۰۱۷.۱۰۴۵۰.۱۴۵۴.

فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۷). **موزه‌هایی در باد**. تهران. دانشگاه علامه طباطبایی.

فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۷). **موزه‌هایی در باد**. تهران. دانشگاه علامه طباطبایی.

قربانی، حمیدرضا و صادقی، سارا. (۱۳۹۶). سنگ‌نگاره‌های شرق مرکزی ایران (سندها، صخره‌نوشته‌ها و نمادشناسی، سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی). بیرجند. چهار درخت.

قمی، حسن ابن محمد ابن حسن (۱۳۶۱). **تاریخ قم**. ترجمه حسن ابن عبدالملک قمی. تهران. توس.

کریمی، لیلیا. (۱۳۹۴). بررسی نمادها و نقوش سنگ‌نگاره‌های تیمره. **همایش ملی باستان‌شناسی ایران**.

میرفتاح، سید علی اصغر و صوری نوجه‌دهی، رضا. (۱۳۷۸). بررسی و مقایسه‌گونه‌شناسی یافته‌های فلزی اورارتویی شمال غرب ایران با نمونه‌های مشابه خارج از ایران. **مجله بیان باستان‌شناسی**. دوره پنجم. شماره ۱۱۷-۱۳۵.

ناصری فرد، محمد. (۱۳۸۸). **سنگ‌نگاره‌های ایران (نمادهای اندیشه نگار)**. ناشر نویسنده.

- Golpayegan. *Archaeological Researches of Iran*, Department of Archeology, Faculty of Art and Architecture, Bualisina University. 7(14), 123-140. doi: 10.22084/nbsh.2017.10450.1454, (Text in Persian).
- Ashtari Larki, K., & KolahKaj, M. (2022). Visual Matching of Goat's Motif on Petroglyph of Lam Gerdoo and Kiars of Khuzestan with Petroglyph of Teimare, Mazayen and Khoravand on Isfahan and Markazi Province. *Glory of Art (Jelve-y Honar) Alzahra Scientific Quarterly Journal*, 14(2), 7-20. doi: 10.22051/jjh.2022.39128.1743, (Text in Persian).
- Binandeh, Ali.(2016). Looking at Rock Art in North-west of Iran. *International Journal of Archaeology*. 4(1-1): 12-17, (text in Persian).
- Dessau, G., (1960). Rock Engravings (Graffiti) from Iranian Bäluchistan. *East and West*, Vol. 11, No. 1, Pp: 258-266, (text in Persian).
- Farhadi, M. (1998). *Museums in the wind*. Tehran. Allameh Tabatabaei University. (Text in Persian).
- Ghorbani, H and Sadeghi, S. (2016). *Rock Carvings Art In East Central Of Iran; Documents, Inscriptions And Semiotics Of Rock Carvings Art In Southern Khorasan Province*. Birjand. Chahar Derakht, (Text in Persian).
- Hemati Azandaryani, E, Mohamadifar, Y, Hejebri Nobari, A and Khanali, H. (2015). AZANDARYAN: NEWFOUND PETROGLYPHS IN HAMADAN, WESTERN IRAN. *Rock Art Research*. Volume 32, Number 2, pp. 202-206, (text in Persian).
- Jamali, M., (2022). "An archaeological survey of petroglyphs, in the cultural landscape of Teymareh Golpayegan". *Master's thesis*, Department of Archeology, Faculty of Conservation and Restoration, Arts University of Isfahan (unpublished), (Text in Persian).
- Jamali, M., (2023). " A Study of Cattle Motifs on the Petroglyphs of Teymareh Golpayegan", *Archaeological Researches of Iran*, Department of Archeology, Faculty of Art and Architecture, Bualisina University, 13(36), 112-87, (Text in Persian).
- Jamali, M, Bashash Kanzeq, R. (2023). Introduction and review of new Pahlavi inscriptions in Teymareh Golpayegan. *Archaeological Researches of Iran*. Department of Archeology, Faculty of Art and Architecture, Bualisina University, (accepted under publication) doi: 10.22084/nb.2024.28135.2620, (Text in Persian).
- Jamali, M, Paskoochi, M. N (2021). Introduction of new petroglyphs in Vastane valley of Sib and Soran cities. Abstract booklet of the *3rd International Conference of Southeast Iran*. Zabul. Page 13, (Text in Persian).
- Jamali, M, Dehwari, A (2021). Investigation and comparative study of petroglyphs of Shamsabad, Saravan city. Abstract booklet of the *3rd International Conference of Southeast Iran*. Zabul. Page 14, (Text in Persian).
- Javari, M. and Haji Mohammad Alian, A., (2011). "Lohramesh, a site related to the Old Bronze Age in the Golpayegan Plain", *Iranian Journal of Archaeology* (2), International Institute of Tourism
- References**
- Binandeh, A. (2016). Looking at Rock Art in North-west of Iran. *International Journal of Archaeology*. 4 (1-1): 12-17, (text in Persian).
- Dessau, G., (1960). Rock Engravings (Graffiti) from Iranian Bäluchistan. *East and West*, Vol. 11, No. 1, Pp: 258-266, (text in Persian).
- Hemati. Azandaryani, E, Mohamadifar, Y, Hejebri Nobari, A and Khanali, H. (2015). AZANDARYAN: NEWFOUND PETROGLYPHS IN HAMADAN, WESTERN IRAN. *Rock Art Research*. Volume 32, Number 2, pp. 202-206, (text in Persian).
- Karimi Mobarakabadi, E. (2013). Rock Art of the Howz-Māhy Region in Central Iran. *Arts*, 2, 124-133; doi:10.3390/arts2030124, (text in Persian).
- Khosrowzadeh, A, Aarab, A and Bahraminia, M. (2017). NEW PETROGLYPHS IN ZIAD ABAD AND HASSAN ROBAT PLAINS (ISFAHAN PROVINCE, IRAN), *Mediterranean Archaeology and Archaeometry*. Vol. 17, No 3, (2017), pp. 215-224, (text in Persian).
- Kolnegari, M; Jamali, M; Naserifard, M; Ghous, K; Hazrati, M; Connor T. Panter and James F. Dwyer. (2021). Falconry petroglyphs in Iran: new findings on the nexus between ancient humans and birds of prey. *European Journal of Wildlife Research*. 67:38 <https://doi.org/10.1007/s10344-021-01462-w>, (text in Persian).
- Lahafian, J. (2013). Rock Art in Kurdistan Iran. *Arts*. 2, 328-349; doi:10.3390 /arts2040328, (text in Persian).
- Mohamadi Ghasrian, S. (2007). SANGESTOON: A NEW ROCK ART SITE IN CENTRAL IRAN. *Rock Art Research* . Volume 24, Number 1, pp. 59-64, (text in Persian).
- Moradi. H, Sarhaddi Dadian. H, Soltani. M, Nik Hassan, Shuhami Nik Abul Rahmani and Byungock Chang. (2013). "Study and Typological Comparison of Petroglyphs in the Marzbanik Valley, Baluchestan, Iran; Time and Mind". *The Journal of Archaeology*, 6 (3), 331-350, (text in Persian).
- Norbert Skupniewicz.P., (2009). "Shafted weapons of Sasanian hunting iconography". *Fasciculi Archaeologiae Historicae* ,fasc. xxii, pl issn 0860-0007, 49-64, (text in Persian).
- Rafei-Alavi, B., (2019). "The biography of a dagger type, The diachronic transformation of the daggers, with the crescent-shaped guard", *The Iranian Plateau during the Bronze Age. Development of urbanisation, production and trade, Archéologie(s)* 1, MOM Éditions, Lyon, 313-330, (text in Persian).
- Schmandt-Besserat, D., (2010). "The Impact of Writing on Art in the Ancient Near East," *Horizons*, 1(1), 1-18, (text in Persian).
- Arab, K, Horshid, Sh. (2016). Analysis and Typology of Rock Art (Engravings) in Kucherey,

Studies and Hasht Mina, 2(2), 62-73, (Text in Persian).

Jamali, M., (2014). *Iran Petroglyphs (Volume 1), Golpayegan Petroglyphs, The Passage for the History*, Qom: Aemmeh Publication, (Text in Persian).

Karimi Mobarakabadi, E. (2013). Rock Art of the Howz-Māhy Region in Central Iran. *Arts*, 2, 124-133; doi:10.3390/arts2030124, (text in Persian).

Karimi, L (2014). Investigating the symbols and motifs of Teymareh petroglyphs. *National Conference of Iranian Archaeology*, (Text in Persian).

Khosrowzadeh, Al, Aarab, A. and Bahraminia, M. (2017). NEW PETROGLYPHS IN ZIAD ABAD AND HASSAN ROBAT PLAINS (ISFAHAN PROVINCE, IRAN). *Mediterranean Archaeology and Archaeometry*. Vol. 17, No 3, (2017), pp. 215-224, (text in Persian).

Kolnegari, M; Jamali, M; Naserifard, M; Ghous, K; Hazrati, M; Connor T. Panter and James F. Dwyer. (2021). Falconry petroglyphs in Iran: new findings on the nexus between ancient humans and birds of prey. *European Journal of Wildlife Research*. 67:38 <https://doi.org/10.1007/s10344-021-01462-w>, (text in Persian).

Hemati Azandaryani, E, Mohamadifar, Y, Hejebri Nobari, A and Khanali, H. (2015). AZANDARYAN: NEWFOUND PETROGLYPHS IN HAMDAN, WESTERN IRAN. *Rock Art Research*. Volume 32, Number 2, pp. 202-206, (text in Persian).

Jamali, M., (2022). "An archaeological survey of petroglyphs, in the cultural landscape of Teymareh Golpayegan". *Master's thesis*, Department of Archeology, Faculty of Conservation and Restoration, Arts University of Isfahan (unpublished), (Text in Persian).

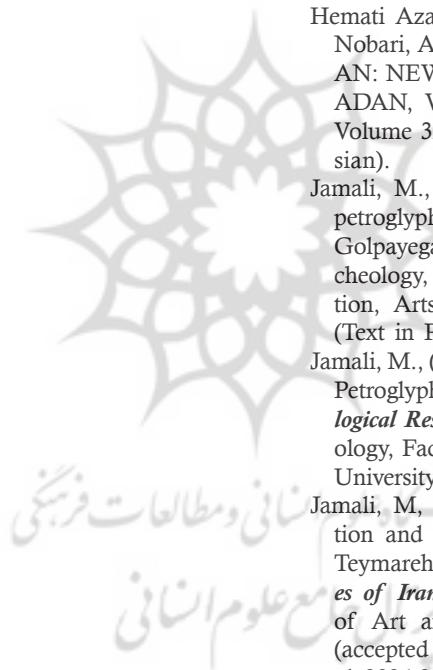
Jamali, M., (2023). " A Study of Cattle Motifs on the Petroglyphs of Teymareh Golpayegan", *Archaeological Researches of Iran*, Department of Archeology, Faculty of Art and Architecture, Bualisina University, 13(36), 112-87, (Text in Persian).

Jamali, M, Bashash Kanzeq, R. (2023). Introduction and review of new Pahlavi inscriptions in Teymareh Golpayegan. *Archaeological Researches of Iran*. Department of Archeology, Faculty of Art and Architecture, Bualisina University, (accepted under publication) doi: 10.22084/nb.2024.28135.2620, (Text in Persian).

Jamali, M, Paskoohi, M. N (2021). Introduction of new petroglyphs in Vastane valley of Sib and Soran cities. Abstract booklet of the *3rd International Conference of Southeast Iran*. Zabul. Page 13, (Text in Persian).

Jamali, M, Dehwari, A (2021). Investigation and comparative study of petroglyphs of Shamsabad, Saravan city. Abstract booklet of the *3rd International Conference of Southeast Iran*. Zabul. Page 14, (Text in Persian).

Javari, M. and Haji Mohammad Alian, A., (2011). "Lohramesh, a site related to the Old Bronze Age in the Golpayegan Plain", *Iranian Journal of Archaeology* (2), International Institute of Tourism



Investigation of the Narrative Scene of the Stone Panel "Sixteen Humans" in the Petroglyphs of Teymareh Golpayegan

Mohsen Jamali²

Received: 2023-08-21

Accepted: 2023-11-20

Abstract

Statement of the problem: Petroglyphs are considered as one of the types of ancient cultural materials, which include all patterns and lines created on the surface of rocks in the open air or the internal surfaces of caves. These cultural finds that are mostly located in the open space; Unlike other cultural materials, it is not pulled out of the soil layers, for this reason, they have been reviewed by humans over thousands of years, and sometimes new designs have been created on them. The petroglyphs have not been spared from natural erosion and human damage. The petroglyphs are new documents that by studying them carefully, many missing links of history can be found.

Petroglyphs can be studied from different perspectives. One of the most important aspects of studying petroglyphs is the examination and interpretation of its motifs. The connection between different motifs in a stone panel can create interesting narrative scenes. Although researchers may not have the same opinion in the analysis and interpretation of narrative scenes, they can finally bring these opinions closer to each other. In order to study the narrative scenes, it is necessary that the researcher, in addition to being familiar with the types of rock patterns and the characters found on the petroglyphs of different regions and other historical monuments, possess other basic information in the fields of archaeology, anthropology, etc. The interpretation of narrative scenes after the issue of chronology is one of the most challenging debates in rock art studies.

The most important theme of the narrative scenes on the petroglyphs has been the theme of hunting, the battle of humans, the representation of the natural environment, the establishment of rituals and customs, etc. In this research, we are going to investigate and analyze one of the important narrative scenes among the petroglyphs of Teymareh, which seems to have certain complications.

1. DOI: 10.22051/JJH.2023.44758.2036

2- Mohsen Jamali, PhD Student of Archaeology, Faculty of Conservation and Restoration, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Email: jamali7178@gmail.com

Based on this, relying on field and library studies, we were able to provide interpretations for this narrative scene. Golpayegan city is located in the northwest of Isfahan province and on the eastern edge of Central Zagros. The fertile plain of Golpayegan, along with the permanent water sources of the Anarbar River and several seasonal rivers, have provided favorable conditions for settling in this area for thousands of years. On the one hand, this area has been a communication route between areas in the central plateau of Iran and on the other hand areas located in the central Zagros. Golpayegan plain is located in the middle of a fence of high and low mountains, which in the mountains on the edge of the plain and often next to water sources, there is a concentration of rock motifs, and also in the plain, there are important historical sites such as Loharamesh (related to 4th millennium BC) and Chogha Hassan (related to the 5th millennium BC) and some other important sites (Javari et al., 2012: 73). Teymareh is the historical name of a region which, according to the current political divisions, is a part of Isfahan, Markazi and Lorestan provinces and includes the cities of Golpayegan, Khomein, Mahalat, Aligudarz, etc. This name has been used a lot since the Sasanian period and especially at the beginning of the Islamic period (Hasan Qomi, 1982). The collection of petroglyphs and rock motifs of Teymareh Golpayegan, due to the great richness of the subject, needs a more serious examination and reflection.

Often in the foothills of the mountains surrounding the Golpayegan plain and mostly next to water sources such as permanent rivers, seasonal rivers, springs and reservoirs, there is a large concentration of petroglyphs, especially in areas with a specific type of schist, which mostly have smooth surfaces for Creating roles are there. During the years of field investigation, we managed to investigate most of the areas of Golpayegan city that had such characteristics, and these continuous investigations led to the identification of thirty-two areas and an approximate number of thirty-six thousand and five hundred stone canvases. These petroglyphs with different themes such as hunting scenes, human battles, showing local customs, showing the natural environment and tools of hunting and life, etc., were created during different historical periods (Jamali, 2014: 53). Among animal motifs, ibex includes approximately seventy-five percent of animal species. Currently, some of these petroglyphs are dated in a relative way, and based on the available evidence, some of them have been dated to the beginning of the Chalcolithic period (Jamali, 2022). There are a lot of narrative topics among the petroglyphs, and it can be said that narrative is the most important feature of a rock art. In one of the stone panels in one of the thirty-two sites with petroglyphs in Teymareh Golpayegan, we see a very special scene. A unique narrative scene in which sixteen people are shown in different situations. The motif of several animals as well as a large number of tools can also be seen. For the first time, we are facing unique motifs from share. According to the motifs and the relationship between them, the placement position and its special style, the following questions can be considered for this research.

1. What scene does this stone panel narrate, war or hunting?
2. Is there a significant connection between this stone panel and other petroglyphs in this region?
3. Can a relative chronology be considered for this stone panel?

After investigating the area of Makuleh petroglyphs, in 2013, we decided to study its most important narrative scene in a continuous manner. Based on this, we returned to the target area and made further investigations and took more pictures. Similar motifs were also examined in other rock panels that were probably the same period as the petroglyphs in question. Graphic designs were prepared from the stone panel of "Sixteen Humans". Also, in addition to field surveys, library surveys were also conducted.

This stone panel is one of the unique narrative examples in the collection of petroglyphs of Teymareh Golpayegan. The similar style of the motifs of this stone panel has been observed in a number of petroglyphs of the same region, they are of similar age. The elegance in these petroglyphs is very high. A sharp pointed tool with very little load was used to create the petroglyphs. The depth of the engravings in these patterns is low and finally reaches 2 mm, also the method of creating patterns is tapping. The most important motifs of this panel are human motifs; 16 people, 15 of whom are men and one woman. The clothes of these people are different, in such a way that people who are moving in one direction have one type of clothes and people who are moving in another direction have different clothes. It is noteworthy that these people have long spears in their hands, and each group is throwing spears at the other group. Also, the motif of three animals can be seen in this panel, but due to the lack of animal motifs and the absence of dog motifs, it can be concluded that this scene is not a hunting scene. But due to the conflict between human groups and the existence of livestock or cages as well as many frames and lines, the conflict was probably over the acquisition of the hunting territory. For these petroglyphs, according to analytical methods, relative chronology can be done in the interval between the beginning of the Chalcolithic period and the end of the bronze period.

Keywords: Petroglyphs, Rock Art, Stone Panels, Narrative Scene, Teymareh Golpayegan.

